

مقایسه اختلالات اضطرابی و سبک‌های دلبستگی در کودکان

پرورش یافته به شیوه فرزندپروری اسلامی با سایر کودکان

زینب خانجانی*

جلیل باباپور خیرالدین**

صفیه جمشیدی مهرآباد***

چکیده

در این پژوهش اختلالات اضطرابی و سبک‌های دلبستگی در کودکان پرورش یافته به شیوه فرزندپروری (تربیت) اسلامی با سایر کودکان مقایسه شد. شیوه‌های فرزندپروری در دو تقسیم‌بندی کلی شامل شیوه‌های فرزندپروری رایج در جهان (مستبدانه، مقتدرانه، سهل‌گیرانه، بی‌اعتنا و...) و شیوه فرزندپروری اسلامی می‌باشد. طرح این پژوهش علمی مقایسه‌ای است. در این پژوهش نمونه آماری شامل ۱۰۰ نفر بود و از سه پرسش‌نامه شامل پرسش‌نامه محقق‌ساخته شیوه فرزندپروری اسلامی، مقیاس اضطراب اسپنس (۱۹۹۸) و پرسش‌نامه روابط میانی دلبستگی هالپرن و کوپنبرگ (۲۰۰۶) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. روش آماری این پژوهش آزمون t و تحلیل واریانس چندمتغیری بود. نتایج نشان داد که کودکان پرورش یافته با روش فرزندپروری اسلامی از لحاظ میزان اضطراب کلی، اضطراب تعمیم یافته و هراس از مکان‌های باز و نیز از لحاظ دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نسبت به سایر کودکان پایین‌تر هستند که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بود؛ نتایج نشان می‌دهد در شیوه فرزندپروری اسلامی، توجه به سه دوره سید، عبد و وزیر و انجام رفتارهای متناسب با ویژگی‌های هر مرحله موجب کاهش اضطراب کلی و همچنین کاهش دلبستگی‌های ناایمن در کودکان می‌شود.

واژگان کلیدی: اختلالات اضطرابی، سبک‌های دلبستگی، شیوه فرزندپروری، شیوه فرزندپروری اسلامی.

مقدمه

مشکلات مربوط به اضطراب، شایع‌ترین شکل مشکلات روان‌شناختی در کودکان و نوجوانان است (شوارتز و وادل،^۱ ۲۰۱۲). مطالعات درباره شیوع اختلالات اضطرابی نشان می‌دهد که در حدود هشت تا دوازده درصد کودکان و پنج تا ده درصد نوجوانان با یکی از معیارهای تشخیصی اختلال اضطرابی، در حدی مواجه هستند که روند زندگی عادی و عملکرد روزانه آنها را مختل نماید (موسوی و همکاران، ۱۳۸۷). اختلالات اضطرابی^۲ اختلالاتی را شامل می‌شوند که در ویژگی‌های ترس و اضطراب بیش از حد و اختلالات رفتاری مربوط سهیم هستند. اختلالات اضطرابی به دلیل مداوم بودن و بیش از اندازه بودن و مکرر بودن و مختل کردن عملکرد و نامتناسب بودن با سن، با ترس یا اضطرابی تفاوت دارند که اغلب ناشی از استرس یا از لحاظ رشد بهنجار است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳). براساس DSM-5^۳ اختلالات اضطرابی در یک یا چند مورد از موارد زیر تشخیص داده می‌شوند: اختلال اضطراب جدایی، لالی انتخابی،^۴ فوبی خاص،^۵ اضطراب اجتماعی،^۶ اختلال وحشت‌زدگی،^۷ آگورا فوبی،^۸ اختلال اضطراب منتشر،^۹ اختلال اضطرابی ناشی از مواد/ دارو،^{۱۰} اختلال اضطرابی جسمانی دیگر، مشخص و نامشخص (همان).

پژوهش‌های زیادی عوامل مربوط به کودک و والد را شناسایی کرده‌اند که موجب ایجاد و حفظ نشانه‌های اضطراب در کودک می‌شوند (واترز، زیمر جمبک و فارل،^{۱۱} ۲۰۱۲). دلبستگی پیوند یا گره‌های هیجانی پایدار بین دو فرد است؛ به طوری که یکی از طرفین می‌کوشد نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (خانجانی، ۱۳۹۴). سبک‌های مختلف دلبستگی در دوره کودکی شامل کودکان دلبسته ایمن،^{۱۲} کودکان دلبسته ناایمن دوسوگرا،^{۱۳} کودکان دلبسته ناایمن اجتنابی^{۱۴} می‌باشد (خانجانی، ۱۳۹۴).

-
1. Schwartz & Waddell
 2. Anxiety disorders
 3. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
 4. Selective mutism
 5. Specific phobia
 6. Social anxiety
 7. Panic disorder
 8. Agora phobia
 9. Generalized anxiety disorder
 10. Substance /medication induced anxiety disorder
 11. Waters & Zimmer-gembeck & Farrell
 12. Securely attached
 13. Insecurely attached resistant or ambivalent
 14. Insecurely attached avoidant

تئوری دلبستگی یک چارچوب محکم و قاطع برای درک بهتر از تفاوت‌های فردی در عملکرد سازگار شدن در بزرگسالی ارائه می‌کند (بالبی،^۱ ۱۹۹۳).

هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد؛ این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند، متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد (هاردی، پاور و جایدیک،^۲ ۱۹۹۳). شیوه‌های فرزندپروری به‌صورت بسیار گسترده‌ای در ارتباط با آسیب‌شناسی روانی کودکان مورد پژوهش قرار گرفته است. یوشیزومی و همکاران^۳ (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که روابط پایدار و مثبت کودک-والد باعث می‌شود که کودک، جدایی از مادر را برای دوره طولانی آن هم بدون اضطراب تحمل کند و نیز چندین مطالعه به جنبه‌های کیفی روابط کودک-والد به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر آسیب‌شناسی بزرگسالان به‌ویژه در زمینه افسردگی پی برده‌اند. کودکان والدین سلطه‌طلب به کج‌خلقی تمایل دارند و آنها غالباً بی‌هدف هستند و در روابط اجتماعی چندان محبوب نیستند (احدی و جمهری، ۱۳۸۴). والدین چه از طریق الگوسازی رفتارهای اضطرابی و چه از طریق شیوه‌های تربیتی غلط می‌توانند موجب به وجود آمدن اختلال‌های اضطرابی در کودکان شوند (گری،^۴ ۱۳۹۳).

از آنجاکه هدف روان‌شناسی اسلامی، رسیدن به کمال واقعی انسان است، روش اسلام در رسیدن به این تحول روانی به‌عنوان پیشرفته‌ترین و کامل‌ترین دینی که راهنمای انسان در زندگی است باید بهترین نظریه را در ارتباط با انسان و روان‌شناسی او داشته باشد؛ به‌طوری‌که در هر زمان و مکانی قابل تطبیق باشد و تمام شئون حیاتی را تحت پوشش قرار دهد (قریشی راد، ۱۳۹۱). در مکتب اسلام به دو جریان متضاد و مخالف اصلی و ثابت در وجود انسان به نام فطرت (بعد الهی انسان) و نفس (بعد حیوانی یا شهوانی انسان) اشاره شده است. بین این دو جریان روانی ذاتی همواره جنگ و تصادم وجود دارد (همان). مسیر آینده و نوع رفتار فرد به تقویت هرکدام از آنها و غالب کردن هر یک بستگی دارد. رویکرد تربیتی اسلام، شکوفایی استعداد‌های فطری و بالفعل نمودن آنهاست (شرفی، ۱۳۷۸). فرزند آدمی در هنگام تولد افزون‌بر دارا بودن توانایی‌های ارگانیکی، دارای یک ساخت روانی و شناختی اولیه به نام فطرت است و با داشتن فطرت مجموعه‌ای از دانش‌های غیراکتسابی را بالقوه و به‌صورت خدادادی داراست؛ این دانش‌های غیراکتسابی در مراحل مختلف زندگی بروز می‌یابد و انسان را به‌سوی سعادت و کمال رهنمون

1. bowlby

2. Hardy, Power & Jaedicke

3. Yoshizumi, Murase, Murakami & Takai

4. Gray

می‌سازند. عنصر شناختی فطرت، عقل^۱ است و در هنگام تولد، کودک دارای توانایی شناختی بالقوه عقل است. عقل با تجربه و پرورش به شکوفایی می‌رسد؛ اما نمی‌توان حیطه تجربه عقلانی را در تنگنای محسوسات محصور کرد (هدایتی، ۱۳۹۳).

اساس هدایت و رشد انسان در گرو پرورش قوه عاقله یعنی تربیت عقلانی است؛ زیرا عدم رشد و شکوفایی عقل و فکر موجب احاطه زشتی‌ها و پلیدی‌ها یا نفسانیات در سراسر وجود آدمی است؛ اما نفس، سرشت خاکی و جنبه مادی و حیوانی و شهوانی انسان است که او را به سوی ارضای نیازهای حیوانی بدون تعقل و به صورت غیراصولی و نادرست سوق می‌دهد (الهی‌زاده، ۱۳۹۳). در دیدگاه اسلام، اساس فرزندپروری، بر مبنای تربیت فطری است و هدف، شکوفا کردن فطرت انسان یا همان تربیت عقلانی است نه نفسانی؛ پس تربیت در اسلام، تربیت فطری و توحیدی است (همان).

برنامه تربیتی اسلام چون برگرفته از کتاب خالق انسان و نمایندگان معصوم ایشان در زمین می‌باشد، جهانی و جاودانه است و به دلیل شناخت کامل انسان، برنامه جامع و کاملی ارائه کرده است که با عمل به آن برنامه، فطرت کودک شکوفا می‌شود و شخصیتی سالم خواهد داشت. متأسفانه گنجینه عظیم قرآن و سنت و عترت پیغمبر ﷺ در فرزندپروری، چندان به کار گرفته نشده است و اکنون دانشمندان غربی تنها به قسمتی از بعد بسیار کوچکی از انسان شناخت پیدا کرده‌اند که آن هم در بیشتر موارد، برگرفته از سیاست‌های منفعت‌طلبانه و سلطه‌طلبانه سیاست‌گذاران و سرمایه‌داران آنها بوده است؛ ولی پانزده قرن پیش، پیامبر گرامی اسلام به دلیل علم عطا شده از سوی خداوند برنامه تربیتی را از تمامی جنبه‌ها به صورت حقیقی بیان فرموده‌اند.

حال با توجه به پژوهش‌های انجام شده در حیطه دل‌بستگی و طبق آیات و روایات اسلامی و اهمیت فراوان اسلام بر آرامش روانی کودکان و نشاط درونی آنها و اینکه دل‌بستگی ایمن به معنای واقعی در بطن تربیت اسلامی شکل می‌گیرد، این مقاله با هدف مقایسه اختلالات اضطرابی و سبک‌های دل‌بستگی در کودکان پرورش‌یافته به شیوه فرزندپروری اسلامی^۲ با دیگر کودکان انجام شد. برای یافتن پاسخ به سؤالاتی مانند آیا بین کودکان پرورش‌یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی با دیگر کودکان از لحاظ میزان اضطراب جدایی، ترس اجتماعی، ترس از مکان‌های باز، ترس از آسیب جسمانی تفاوت وجود دارد؟ و نیز آزمودن فرضیه‌هایی مانند کودکان پرورش‌یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی نسبت به دیگر کودکان از اضطراب تعمیم‌یافته و اضطراب کلی کمتری

1. wisdom

2. Islamic child-rearing practices

برخوردارند و نیز بین کودکان پرورش‌یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی با دیگر کودکان از لحاظ سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، از نوع طرح علمی مقایسه‌ای بود. جامعه مورد مطالعه تمامی دانش‌آموزان دبستانی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ می‌باشد. نمونه آماری پژوهش به تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر از کودکان پرورش‌یافته با شیوه اسلامی و ۵۰ نفر از کودکانی که با روش‌های تربیتی معمولی پرورش یافته‌اند) نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین ترتیب که بین مناطق آموزش و پرورش شهر تبریز، یک منطقه (ناحیه ۳) به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از بین آن منطقه دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه ابتدایی به صورت تصادفی انتخاب شد. در گام بعدی پرسش‌نامه به صورت مرحله‌ای طی برگزاری جلساتی با والدین و ارائه توضیحات لازم و کسب رضایت، توسط والدین اجرا شد تا ۵۰ نفر از دانش‌آموزان دارای شیوه‌های فرزندپروری معمولی و ۵۰ نفر از کودکانی که دارای فرزندپروری اسلامی بودند به صورت غربالگری از بین بیش از ۳۰۰ نفر انتخاب شدند.

افرادی که در پرسش‌نامه محقق‌ساخته فرزندپروری اسلامی نمره ۱ + انحراف استاندارد بالاتر از میانگین را دریافت کردند یعنی نمره بالای ۳۱۵ (۳۱۵-۳۵۳) را در پرسش‌نامه ۹۹ سؤالی کسب کردند در گروه شیوه فرزندپروری اسلامی قرار گرفتند و افرادی که در پرسش‌نامه محقق‌ساخته فرزندپروری اسلامی نمره ۱ - انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین را دریافت کردند در گروه فرزندپروری معمولی قرار گرفتند.

جهت همگنی دو گروه، نمونه از منطقه‌ای بوده که متعلق به طبقه اجتماعی اقتصادی متوسط است و نیز دانش‌آموزان هر دو گروه از مقطع تحصیلی و سنی ابتدایی بودند و نیز از نظر تحصیلات والدین همگن شدند؛ به طوری که والدین هر دو گروه در حد دیپلم و کارشناسی بودند. هر سه پرسش‌نامه طی برگزاری جلساتی با والدین دانش‌آموزان و ارائه توضیحات لازم و در صورت نیاز پاسخ‌گویی به ابهامات آنها، توسط والدین تکمیل شد. همچنین برای رعایت اصول اخلاقی هر یک از شرکت‌کنندگان در پاسخ‌گویی یا عدم پاسخ‌گویی آزاد بودند و هر وقت که تمایل به ادامه نداشتند، می‌توانستند به همکاری پایان دهند. ابزارهای پژوهش عبارت‌اند از:

الف) پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری اسلامی: این پرسش‌نامه براساس آیات قرآن کریم و احادیث و روایات حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام پس از مطالعه بسیار و تعمق در متون اسلامی توسط محقق ساخته شده است و پس از اطمینان از روایی محتوایی با بررسی‌های صاحب‌نظران و استادان و اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم اسلامی، معارف، علوم تربیتی و روان‌شناسی و ارائه نظرات علمی، سؤالات طراحی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی و همسانی درونی برآورد شد. این مقیاس با سؤالات پنج‌گزینه‌ای براساس مقیاس لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، تا حدی، کم، هرگز) با ارزش نمرات ۰-۴ می‌باشد. ابتدا ۱۳۸ سؤال پرسش‌نامه بررسی شد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۵ بود. سه سؤال به دلیل همبستگی کم و زیر ۰/۳ با نمره کل آزمون حذف شد. سی سؤال دیگر نیز به دلیل همبستگی زیر ۰/۳ حذف شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۱۰۵ سؤال برابر ۰/۹۶ بود. پس از تحلیل عاملی برای روایی سازه چند سؤال مجدد به دلیل همبستگی زیر ۰/۳ حذف شد. بنابراین ۹۹ سؤال از پرسش‌نامه محقق‌ساخته بعد از نتایج تحلیل عاملی باقی ماندند. همسانی درونی پرسش‌نامه نهایی با ۹۹ سؤال برابر ۰/۹۶۲ به دست آمد. برای بررسی روایی سازه این پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی با عوامل اصلی، به یک عامل دست یافت که ۲۲ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. برای اطمینان از روایی ملاکی، همبستگی پرسش‌نامه محقق‌ساخته فرزندپروری اسلامی با پرسش‌نامه عقل دینی (میردریکوندی، ۱۳۸۹) بررسی شد. پرسش‌نامه سنجش عقل میردریکوندی دربردارنده ۱۸۰ سؤال از نوع پنج‌گزینه‌ای است. این مقیاس یک نمره کلی و هفت نمره فرعی (زیر مقیاس) دارد. نمره‌ها پیوستاری است و میزان عقل افراد را به پنج رتبه خیلی بالا، نسبتاً بالا، متوسط و معمولی، نسبتاً پایین و خیلی پایین تقسیم می‌کند. برای اعتبار آزمون از آلفای کرونباخ و روش دو نیمه کردن استفاده شده است که به ترتیب ۰/۹۶۹ و ۰/۹۳۹ و ۰/۹۴۶ و مقدار I اسپیرمن براون ۰/۹۳۱ بود که گویای اعتبار مقیاس است.

پرسش‌نامه سنجش عقل دینی بر روی ۱۰۲ نفر از افراد نمونه مورد مطالعه اجرا و مقدار همبستگی بین این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه فرزندپروری اسلامی برابر $r = 0/674$ به دست آمد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. همچنین، برای بررسی پایایی آزمون از روش آزمون-باز آزمون بر روی ۳۱ نفر از افراد مورد مطالعه انجام گرفت که مقدار همبستگی برابر ۰/۷۴ به دست آمد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت پرسش‌نامه محقق‌ساخته را می‌توان برای مقاصد پژوهشی استفاده نمود. افرادی که در این پرسش‌نامه نمره ۱+ انحراف

استاندارد بالاتر از میانگین را دریافت کنند؛ یعنی نمره بالای ۳۱۵ (۳۱۵-۳۵۳) را در پرسش‌نامه ۹۹ سؤالی کسب کنند، دارای شیوه فرزندپروری اسلامی هستند.

ب) پرسش‌نامه روابط دلبستگی دوره سنی میانی کودکی: سبک دلبستگی با پرسش‌نامه «روابط دلبستگی برای دوره سنی میانی کودکی» (KCAQ)^۱ (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶) سنجیده شد. پایایی اولیه پرسش‌نامه (KCAQ) در مطالعه سازندگان پرسش‌نامه براساس همبستگی درونی، ۰/۸۵ و براساس روش دو نیمه کردن، ۰/۸۳ گزارش شده است. میزان آلفای کرونباخ توسط سازندگان مقیاس برای مؤلفه‌های تکامل انطباقی مثبت (دلبستگی ایمن)، رفتارهای منفی، واکنش‌های هیجانی (دلبستگی نایمن دوسوگرا) و دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی/فرد مراقب (دلبستگی نایمن اجتنابی) به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۳، ۰/۶۵، ۰/۵۶ گزارش شده است. روایی سازه پرسش‌نامه (KCAQ) با پرسش‌نامه اختلال دلبستگی راندولف (RADQ)^۲ مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن مطلوب بوده است (هالپرن و کاپنبرگ، ۲۰۰۶). یافته‌های پژوهش سلیمان، بشاش و لطیفیان (۱۳۹۳) نشان‌دهنده آن است که نسخه فارسی مقیاس (KCAQ) در زمینه سنجش دلبستگی کودکان در دوره سنی میانی کودکی سنین ۳-۱۲ سال با نمونه پژوهش ۴۰۰ نفری از دانش‌آموزان ابتدایی از خصوصیات روان‌سنجی قابل قبولی برخوردار است.

طبق نتایج تحلیل عاملی آزمون (KMO) برابر با ۰/۷۳ و در سطح مطلوب بوده و آزمون کروییت بارتلت از نظر آماری معنادار بود. ضرایب پایایی کل به روش آلفای کرونباخ برای پسران ۰/۷۳ و برای دختران ۰/۷۸ به دست آمده بود. همبستگی درونی نمره‌های مؤلفه‌ها با نمره کل برای تکامل انطباقی مثبت ۰/۳۵-، برای رفتارهای منفی ۰/۴۱، برای واکنش هیجانی ۰/۵۴ و برای دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی ۰/۴۲ بود که مطلوب و مناسب می‌باشد (۰/۰۱ <). این پرسش‌نامه توسط مادر تکمیل می‌شود و شامل ۲۰ گویه است. برای نمره‌گذاری هرگویه، درجه‌ای بین ۰-۵ (همیشه تا هرگز) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد.

ج) پرسش‌نامه مقیاس اضطراب کودکان اسپنس: این مقیاس، توسط اسپنس^۳ (۱۹۹۸) ساخته شد. این پرسش‌نامه از ۳۸ عبارت تشکیل شده است. این مقیاس برای کودکان ۸ تا ۱۵ سال قابل استفاده است. پاسخ‌ها به صورت چهار درجه‌ای لیکرت از صفر (هرگز) تا ۳ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. حداکثر نمره برابر با ۱۱۱ می‌باشد که نمره‌های بالا نشان‌دهنده اضطراب آزمودنی می‌باشد. این مقیاس دارای ۶ خرده مقیاس هراس و ترس از مکان‌های باز، اختلال اضطراب، ترس

1. Kinship Center Attachment Questionnaire

2. Randolph attachment disorder Questionnaire (RADQ)

3. Spence

اجتماعی، ترس از آسیب جسمی، اختلال وسواسی-اجباری و اختلال اضطراب منتشر یا فراگیر می‌باشد. نمره کلی مقیاس نیز از جمع تمامی ۶ خرده مقیاس محاسبه می‌شود (اسپنس، ۱۹۹۷). روایی همگرایی مقیاس اضطراب کودکان اسپنس با مقیاس تجدیدنظر شده مانیفست کودکان به طور معنادار همبستگی داشته‌اند ($r=0/71$). روایی افتراقی مقیاس نیز با پرسش‌نامه افسردگی کودکان پایین و کم به دست آمد. اعتبار همسانی درونی مقیاس نیز با آلفای کرونباخ $0/92$ و اعتبار بازآزمایی مقیاس به مدت شش ماه $0/60$ به دست آمد. در پژوهشی که خسروی، هومن و سلیمانی (۱۳۹۰) با حجم نمونه ۵۰۲ نفری برای نرَم‌یابی این مقیاس انجام دادند، اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ $0/874$ به دست آمد.

برای تحلیل داده‌ها از آزمون t ، آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری برای بررسی تفاوت‌های دو گروه و تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ ابتدا داده‌های توصیفی مربوط به متغیرها ارائه می‌شود:

جدول ۱: توصیف آماری نمره‌های مؤلفه‌های اختلال اضطرابی به تفکیک گروه

متغیرها	مؤلفه‌ها	گروه با سایر سبک‌های فرزندپروری		گروه با سبک فرزندپروری اسلامی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
اضطراب	هراس و ترس از فضاهای باز	41 2	84 2	97 0	78 1
	اضطراب جدایی	36 4	36 3	54 3	74 3
	هراس اجتماعی	39 6	04 4	40 5	10 4
	ترس از آسیب جسمانی	75 4	41 3	51 3	98 2
	وسواس فکری-عملی	82 3	47 3	51 1	69 1
	اضطراب عمومی	82 4	62 3	94 2	55 2
	نمره کل	58 26	78 16	89 17	88 12
سبک‌های دلبستگی	تکامل انطباقی مثبت (سبک ایمن)	65 17	73 7	7 21	32 10
	واکنش هیجانی (ناایمن دوسوگرا)	41 8	03 5	11 6	24 4
	دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی (ناایمن اجتنابی)	31 3	92 2	72 1	29 2

جدول ۲: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین اضطراب و مؤلفه‌های آن بین دو گروه (کودکان پرورش یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی با دیگر کودکان)

آزمون t برای مقایسه میانگین‌ها			آزمون لوین برای بررسی همسانی واریانس‌ها		شاخص‌های آماری
سطح معناداری	درجه آزادی	T	سطح معناداری	F	متغیرهای تحقیق
۰/۳۰۹	۷۶	۱/۰۲۵	۰/۷۵	۰/۰۹۶	اضطراب جدایی
۰/۲۹	۷۶	۱/۰۶۶	۰/۹۷	۰/۰۰۱	ترس اجتماعی
۰/۰۱	۷۶	۲/۶۴	۰/۵۶	۰/۱۶۸	ترس از مکان‌های باز
۰/۰۹	۷۶	۱/۷	۰/۳۸	۰/۷۶	ترس از آسیب جسمی
۰/۰۱۱	۷۶	۲/۶۲	۰/۰۶۴	۳/۰۲	اضطراب تعمیم‌یافته
۰/۰۱۳	۷۶	۲/۵۴	۰/۰۷۲	۳/۵۷	اضطراب کلی

بر اساس نتایج، بین کودکان پرورش یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی با دیگر کودکان از لحاظ میزان اضطراب کلی، اضطراب تعمیم‌یافته، و ترس از مکان‌های باز تفاوت وجود دارد. برای بررسی پیش فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیری و برای بررسی برابری ماتریس واریانس-کوواریانس متغیرهای وابسته از آزمون باکس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج آزمون همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس

مقدار M BOX	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۹/۲۹	۱/۴۸	۶	۴۰۶۳۶/۷۸	۰/۱۸

نتایج آزمون نشان می‌دهد که پیش فرض برابری واریانس-کوواریانس برای انجام تحلیل واریانس چند متغیری برقرار است.

جدول ۴: بررسی مفروضه تجانس واریانس‌ها

متغیرها	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
تکامل انطباقی مثبت (سبک ایمن)	046 2	1	76	157 0
واکنش هیجانی (سبک دوسوگرا)	736 0	1	76	394 0
دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی (سبک اجتنابی)	285 1	7	76	261 0

نتایج آزمون لون (جدول ۴) نشان می‌دهد که مفروضه همسانی واریانس‌ها در گروه‌های مورد مطالعه برای انجام تحلیل واریانس چندمتغیری برقرار است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در جدول ۵ آورده شده است:

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس (لامبدای ویلکز چندمتغیری)

ارزش	مقدار F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	معناداری (P)
۰/۱۸۰۳	۶/۰۶	۳	۷۴	۰/۰۰۱

نسبت F به دست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. در نتیجه گروه‌ها (کودکان پرورش یافته با شیوه فرزندپروری اسلامی با دیگر کودکان) دست کم در یکی از متغیرهای وابسته (سبک‌های دلبستگی) با هم متفاوت بوده و تفاوت معناداری دارند. در ادامه، نتیجه تحلیل واریانس بین آزمودنی آورده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس بین آزمودنی

متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری
تکامل انطباقی مثبت	۳۲۲/۳۵۵	۱	۳۲۲/۳۵۵	۳/۹۳۱	۰/۰۵۱
واکنش هیجانی	۱۰۳/۴۶۸	۱	۱۰۳/۴۶۸	۴/۷۲۷	۰/۰۳۳
دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی	۴۹/۰۰۴	۱	۴۹/۰۰۴	۶/۹۹۸	۰/۰۱۰

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیری برای واکنش هیجانی و دوری گزیدن از حمایت چهره دلبستگی بین گروه‌ها در سطح $P > 0/05$ معنادار و در تکامل انطباقی (سبک دلبستگی ایمن) معنادار نیست ($P > 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از بین زیرطبقات اختلالات اضطرابی شامل هراس از فضاها، باز، اضطراب جدایی، هراس اجتماعی، ترس از آسیب جسمانی، اضطراب تعمیم‌یافته و اضطراب کلی، بین کودکان پرورش یافته با سبک فرزندپروری اسلامی با کودکان پرورش یافته با سبک معمولی در سه زیرطبقه از اختلالات اضطرابی شامل ترس از فضاها، باز، اضطراب تعمیم‌یافته و اضطراب کلی تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بررسی و مقایسه میانگین‌های دو

گروه از لحاظ سه متغیر پیش‌گفته نشان از آن است که در هر سه متغیر اضطرابی میانگین اضطراب در کودکان پرورش‌یافته با سبک‌های فرزندپروری اسلامی پایین‌تر از کودکان پرورش‌یافته با سبک‌های معمولی است. یعنی کودکان پرورش‌یافته با سبک اسلامی به‌طورکلی اضطراب کمتری دارند؛ ولی در دیگر متغیرهای اضطرابی یعنی اضطراب جدایی، هراس اجتماعی، ترس از آسیب جسمانی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. اگرچه مقایسه میانگین‌های مرتبط با این متغیرهای اضطرابی نیز نشان از آن است که در تمامی آنها میانگین‌های گروه پرورش‌یافته با سبک اسلامی پایین‌تر هستند یعنی در مورد این زیرطبقا نیز باز کودکان پرورش‌یافته با شیوه اسلامی، اضطراب کمتری نسبت به گروه پرورش‌یافته با شیوه‌های معمولی دارند؛ اما به‌دلیل معنادار نبودن آماری، نمی‌توان چندان به آنها استناد کرد.

با وجود تلاش و بررسی دقیق محقق، پژوهشی در زمینه فرزندپروری اسلامی و اختلالات اضطرابی یافت نشد؛ در نتیجه نمی‌توان نتایج این پژوهش را با دیگر پژوهش‌ها مقایسه کرد؛ اما اگر به‌طورکلی مطالب مورد نظر پیگیری شود، می‌توان به چند تحقیق اشاره کرد که صرفاً درباره فرزندپروری اسلامی به‌صورت تحلیلی-توصیفی و نه تجربی صورت گرفته است. از جمله، مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری (شکوهی یکتا، پزند، فقیهی، ۱۳۸۵) که با بررسی و مقایسه انواع سبک‌های فرزندپروری و نقاط ضعف و قوت آنها به ویژگی‌های فرزندپروری اسلامی پرداخته است و نیز الگوی فرزندپروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روان‌شناختی آن (مهدوی نیک، ۱۳۹۲) که با تشریح مراحل تربیتی و اصول فرزندپروری اسلامی براساس آیات و روایات و نیز تحلیل موارد روان‌شناختی به توصیف الگوی فرزندپروری اسلامی پرداخته است.

در واقع، با بررسی الگوی فرزندپروری اسلامی می‌توان به‌خوبی دلیل پایین‌تر بودن اضطراب کودکان پرورش‌یافته به شیوه اسلامی را مطرح کرد. پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فان رضیت اخلاقه لاحدی و عشرین و الا فاضرب علی جنبه؛ فقد اعتذرت الی الله»؛ فرزند هفت سال، سید [فرمانده] است، هفت سال [بعدی] بنده است، هفت سال، وزیر است؛ پس اگر از اخلاقش راضی بودی تا بیست و یک سال [که هیچ] وگرنه بر پهلویش بزن [رهاش کن] پس نزد خدا معذوری [وظیفه‌ات را انجام داده‌ای] (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۱۶۴۹). پس، طبق روایات از نظر اسلام الگوی تربیتی و فرزندپروری مرحله‌ای و مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت است.

در هفت سال اول که کودک طبق روایت سید و فرمانده است، الگوی تربیتی محبت و آزادی و تلاش والدین برای انجام خواسته‌ها برجسته‌تر از دیگر موارد است [به‌استثنای مواردی که در اسلام

نهی شده مثل مواردی که مضر به جسم و روح و روان خود یا دیگران باشد؛ البته در این موارد، با روش پرت کردن حواس کودک به بازی یا جایگزینی با چیزی که دوست دارد، نه خشونت، از آن رفتار دور می‌کنیم]. در هفت سال اول بنابر فرموده حضرت علی (علیه السلام) کودک مثل گلی خوشبو است؛ همان‌طور که گل لطافت خاصی دارد و در اثر هر ضربه کوچکی آسیب زیادی می‌بیند و پژمرده می‌شود مراقبت جسمی و روانی و روحی بسیار مهم است (علوی، ۱۳۸۸).

در هفت سال دوم که کودک طبق روایت عبد و مطیع و سرباز است، الگوی تربیتی قاطعیت، ادب، آموزش، مهارت‌پروری، تربیت، به قدر توان مسئولیت خواستن، برجسته‌تر از دیگر موارد است و در هفت سال سوم که نوجوان طبق روایت مشاور و وزیر است، الگوی تربیتی کرامت و احترام همراه با نظرخواهی و مشورت، برجسته‌تر از دیگر موارد است؛ ولی در هر صورت سه اصل محبت، قاطعیت و کرامت در طول تربیت لحاظ می‌شود در عین اینکه سخت‌گیری و خشونت بدون محبت جایگاهی ندارد، محبت و تکریم و احترام گذاشتن به کودک و تحقیر و توهین نکردن کودک و بیش از توان کودک انتظار نداشتن ضمن رعایت حدود الهی اصل است (مظاهری، ۱۳۸۷).

بنابراین با توجه به حدیث ارزشمند پیش‌گفته در هفت سال اول روش فرزندپروری، سهل‌گیرانه فطری (توحیدی) و مبتنی بر محبت است؛ در هفت سال دوم، روش فرزندپروری مقتدرانه فطری (توحیدی) و مبتنی بر قاطعیت است؛ در هفت سال سوم، روش فرزندپروری آزادمنشانه فطری (توحیدی) و مبتنی بر کرامت است.

الگوی تربیتی طبق احادیث، با توجه به مراحل رشد و خصوصیات روانی و تحولی و شناختی متفاوت هر مرحله ناپیوسته است؛ همان‌گونه که از نظر اسلام مراحل تحول، ناپیوسته است، طبق دیدگاه پیاژه هم، کودک در هفت سال اول ناپیرو، در هفت سال دوم دیگر پیرو و در هفت سال سوم خود پیرو است. باید در هفت سال اول به‌جای هماهنگ کردن کودک با خود، فعالیت‌های خود را براساس خواست و نیاز و اقتضای سن کودک هماهنگ کرد.

عوامل مؤثر در الگوی فرزندپروری اسلامی را در دو بخش می‌توان بررسی کرد: سلامت روانی و معنوی والدین و نقش آن در پرورش کودکان سالم که از عوامل مهم تأثیرگذار است و دیگری اصول حاکم بر تربیت اسلامی. طبق موازین اسلامی تربیت کودک پیش از تولد حتی پیش از انعقاد نطفه و با تربیت و رفتار صحیح والدین آغاز می‌شود (ضمن اینکه مسائل وراثتی نیز مؤثر است) مطلب اساسی و مهم این است که والدینی که خود به آرامش روانی و نشاط درونی

نرسیده‌اند به سختی می‌توانند فرزندانی سالم و با نشاط پرورش دهند و این میسر نیست، مگر با عمل به دستورالعمل زندگی که توسط خالق انسان بیان شده است.

طبق اصول حاکم بر الگوی فرزندپروری اسلامی (مظاهری، ۱۳۸۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۵؛ مهدوی نیک، ۱۳۹۲؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵) می‌توان پایین‌تر بودن اضطراب کلی کودکان پرورش‌یافته با الگوی اسلامی را تبیین کرد. در واقع، اصول الگوی فرزندپروری اسلامی با روش‌های هر اصل از قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) می‌تواند تبیین‌کننده دلایل مرتبط با این یافته این پژوهش باشد. یکی از این اصول، اصل کرامت و عزت نفس است. روش‌های این اصل تکریم، سلام کردن به کودکان، تغافل، عفو و صفت، گذشت از لغزش و خطا، مدارا و پرهیز از سرزنش و تحقیر و عیب‌پوشی نزد دیگران می‌باشد. پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید کودکان‌تان را تکریم کنید و آنان را خوب تربیت کنید که آمرزیده می‌شوید (طبرسی، ۱۴۱۲). تکریم فرزندان با خطاب‌های عام بوده (اکرموا اولادکم) (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۴۷۶) و به سن خاصی محدود نشده است؛ از این‌رو تکریم فرزندان در تمامی مراحل سنی فرزند جاری است. اصل دیگر، اصل محبت، دلسوزی و ترحم است که روش‌های مبتنی بر این اصل، ترحم و محبت، دوست داشتن، بوسه و نوازش، دوستی با فرزندان و خوشحال کردن آنان، ارتباط توأم با محبت و مهربانی و متناسب با سن و سلام کردن می‌باشد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: کسی که به کودکان مسلمین رحم و محبت نکند و بزرگسالان را احترام ننماید از ما نیست (همان، ج ۱۰، ص ۳۱۳).

یکی دیگر از اصول فرزندپروری اسلامی، اصل قاطعیت و سازش نکردن در منهیات دین و کنترل و نظارت بر خانواده و فرزندان است که روش‌های آگاهی دادن به خانواده، کنترل و نظارت بر خانواده، اقتدار در تصمیم‌گیری و اجرا در دستورات الهی و دینی و در مواقع لزوم و نادر سرسنگینی و قهر کوتاه‌مدت، اقتدار و دلسوزی و مسئولیت‌پذیری و ولایت پدر خانواده، مبتنی بر آن است. پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این آیه را تلاوت فرمود: «خودتان و خانواده‌تان را از آتش ننگه دارید»، گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه خانواده‌مان را از آتش ننگه داریم؟ فرمود: آنان را به آنچه خداوند دوست دارد امر کنید و از آنچه خداوند ناخوش دارد نهی کنید (سیوطی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۵).

اصل دیگر، اصل الگوپذیری و تأثیرپذیری متربی و عامل بودن خود مربی یا والدین است که با روش‌هایی مانند تربیت عملی، الگودهی، معاشرت با انسان‌های نیک و صالح و متقی و پرهیز از دوستی و معاشرت با افراد فاسد و فاسق و ناصالح اعمال می‌شود. اصل دیگر، اصل تدریج در تربیت اسلامی است و روش‌های مبتنی بر آن، تربیت تدریجی و متناسب با سن، آماده‌سازی، زمینه‌سازی و عادت‌سازی می‌باشد. اصل دیگر، اصل تکلیف به قدر وسع و توانایی است با

روش‌هایی مانند آسان‌سازی و تقاضای تکلیف به قدر توانایی و امکان، پرهیز از مقایسه، توجه به تفاوت‌های فردی و توجه به سنین و مراحل رشد، مهارت‌آموزی در هفت سال دوم و به‌کارگیری مهارت در هفت سال سوم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به تفاوت‌های فردی می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکی به خود یاری می‌کند. آنچه را که کودک در توان داشته و انجام داده از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سخت و طاقت فرساست از او نخواهد، او را به گناه و طغیان وادار نکند، به او دروغ نگوید، در برابر او مرتکب اعمال جاهلانه (و احمقانه) نشود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰؛ قریشی راد، ۱۳۹۱).

اصل دیگر، اصل لزوم توجه به نیازهای کودک در همه ابعاد و پاسخ‌گویی منطقی و متعادل به آنهاست و با روش‌هایی مانند توجه به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی، فطری و روحی کودک و برآوردن آنها در محدوده شرع، دوستی محبت و ارتباطات عاطفی با فرزند، اجازه بازی دادن به کودک، کودکی کردن با کودک و بازی و صبوری با او، فراهم کردن امکان بازی با خاک برای کودک، فراهم کردن امکان ارتباط و بازی با همسالان مورد اطمینان با توجه به نیازهای اجتماعی کودک، آموزش احکام و آداب، آموزش شنا و تیراندازی و اسب‌سواری و دیگر ورزش‌های مفید و کاربردی، علم‌آموزی، آموزش قرآن، مهارت‌آموزی (البته موارد آموزشی از هفت سال به بعد می‌باشد) اعمال می‌شود.

اصل صداقت، عدالت، امنیت یکی دیگر از اصول فرزندپروری اسلامی است که با روش‌هایی مانند دروغ نگفتن به کودک، عدالت میان فرزندان، وفای به عهد، لزوم تأمین آرامش و امنیت روانی کودک و بر هم نزدن آن و پرهیز از تنبیه و تهدید، اهمیت دادن به آرامش روانی کودک در اولویت کارها مبتنی بر رضایت خداوند اجرا می‌شود. اصل اختیار و آزادی متناسب با سن و در محدوده شرع، از اصول دیگر این شیوه، با روش‌هایی همچون عدم اجبار و تحمیل و تهدید و خشونت، روش پرت کردن حواس کودک (برگرداندن توجه از چیزی که مطلوب نیست) و جایگزینی با چیز یا کار مطلوب و جذاب، فراهم کردن امکان ابراز وجود به کودک با نظر خواستن و فرصت انتخاب دادن، مشورت کردن و پرهیز از تحقیر و تمسخر کودک و نظر او، پرهیز از سرزنش زیاد، دادن آزادی به کودک در هفت سال اول و قانونمند کردن آزادی در هفت سال دوم و به رسمیت شناختن استقلال‌یابی همراه با نظارت در هفت سال سوم فرزند اعمال می‌شود.

اصل تربیت عقلانی و فطری کودک، از دیگر اصول اساسی این شیوه و با روش‌هایی مانند دعوت به تفکر در عالم خلقت، خدا، خلق و خود؛ استفاده از شعرها و داستان‌ها و قصص

حکیمانه و عبرت‌آموز و توجه دادن به نتایج اعمال، آگاهی دادن، علم آموزی (از هفت‌سالگی)، تعقل، جستجوگری، کشف و خلاقیت، استفاده از غذای حلال برای روح و جسم، بیدار نگه داشتن فطرت کودک و زمینه‌سازی تربیت فطری با انجام دستورات دینی صورت می‌گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: حکمت‌ها را به فرزندانان بیاموزید؛ چراکه مایه فزونی خرد و دوراندیشی و اندیشه است (حرانی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۵).

اصل اراده و مشیت خداوند فوق اراده‌ها و هدایت به‌دست خداوند، اصلی است که روش‌های زیر را دربرمی‌گیرد. دعای والدین و دیگران در حق فرزند براساس تأثیرات دعا بر سرنوشت، پرهیز از نفرین فرزند، تمسک به قرآن مجید و معصومان علیهم السلام و اولیای الهی و استمداد از شهداء و انجام اعمال صالح و خدمت خالصانه به خلق و راضی بودن از تمامی شرایطی که قابل تغییر توسط ما نیستند؛ مثل معلولیت فرزند یا خود. دعا در حق فرزندان و استعانت از قدرت خداوند متعال برای حسن عاقبت فرزندان و هدایشان به راه مستقیم الهی و نیز در امور دنیوی اثرات حتمی و مؤثر دارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دعای پدر برای فرزند همانند آب مفید برای زراعت است (الفردوس، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۳۰۳۸؛ به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۵).

از آفت‌های تربیت و زیاده‌روی در سرزنش، تربیت هنگام خشم، خشونت و بداخلاقی، کمال‌گرایی افراطی والدین و مقایسه و تحقیر است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵). با رعایت اصول فرزندپروری اسلامی، چون علل ترس و اضطراب به‌صورت ریشه‌ای وجود نخواهد داشت، از اضطراب کودک پیشگیری می‌شود و کودک با نشاط و آرام خواهد بود.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش مؤید آن بود که بین دو گروه پرورش‌یافته با سبک فرزندپروری اسلامی و گروه پرورش‌یافته با سبک‌های فرزندپروری معمولی از لحاظ دو سبک دلبستگی ایمن و نایمن تفاوت معنادار آماری وجود دارد؛ به‌طوری‌که گروه پرورش‌یافته با سبک فرزندپروری اسلامی نسبت به گروه پرورش‌یافته با سبک فرزندپروری معمولی کمتر در معرض خطر دلبستگی نایمن قرار دارند؛ درحالی‌که کودکان پرورش‌یافته با سبک فرزندپروری معمولی بیشتر در معرض سبک‌های دلبستگی نایمن قرار دارند و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. از سوی دیگر، مشخص شد که کودکان پرورش‌یافته با سبک اسلامی بیشتر در معرض سبک دلبستگی ایمن قرار دارند تا کودکان پرورش‌یافته با سبک فرزندپروری معمولی؛ اما می‌توان برای تبیین این یافته‌ها به ویژگی‌های فرزندپروری اسلامی اشاره کرد که باعث می‌شود رابطه مادر-کودک ایمن شود و کودک احساس داشتن یک پایگاه ایمنی‌بخش درونی (مادر ایمنی‌بخش) کند. براساس مطالعات، مادران کودکان ایمن، نسبت به مادران کودکان نایمن دوسوگرا و اجتنابی از حساسیت

بالاتری در رفتار مادرانه خود برخوردارند (پترسون و موران به نقل از خانجانی، ۱۳۹۴). این مادران پاسخ‌دهنده‌تر بوده و به‌ویژه در هفت سال اول بسیار به نیازهای کودکان خود حساس هستند و به‌موقع این نیازها را ارضاء می‌کنند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های دیگر نیز نشان داد که مادران کودکان ایمن نسبت به مادران کودکان نایمن از نظر خلقی مثبت‌تر هستند و در ایجاد جوی راحت و شاد و آرام در خانه در سطح بالاتری قرار دارند (خانجانی، ۱۳۹۴). این ویژگی‌ها که در ایجاد دلبستگی ایمن مؤثرند در شیوه فرزندپروری اسلامی به‌شدت رعایت می‌شوند.

در اسلام به‌دلیل اعتقاد والدین به معاد و پاسخ‌گویی در پیشگاه خداوند و اعتقاد به حاضر و ناظر بودن خداوند و ثبت اعمال توسط فرشتگان، والدین در رفتار با کودک، خودکنترلی بیشتری دارند و بیشتر مراقب هیجانات منفی و پرخاشگری و آزار خواسته یا ناخواسته فرزند خود هستند. از سوی دیگر، والدین متقی و عامل به دستورات الهی، احساس نزدیکی معنوی (قرب) به خداوند و آرامش و صف‌ناپذیر و نشاط درونی پایدار و بهجت زیادی دارند که در رفتار با کودک اثرگذار است. در اسلام هیچ‌گاه به والدین اجازه داده نشده که به‌خاطر تربیت یا تخلیه هیجانات منفی، فرزندان را تنبیه جسمی یا روانی کنند و برگذشت، چشم‌پوشی، عیب‌پوشی، رحم کردن، محبت کردن، شاد کردن دل کودکان، ارتباط عاطفی و بازی و عدم انتظار بیش از حد توان کودک تأکید شده است. قاطعیت در اسلام به‌خاطر مصلحت واقعی و فطری کودک است که آن هم با محبت و عاطفه و ترحم همراه است نه اثبات اقتدار و قدرت خود به کودک برای ترساندن و مطیع کردن او.

در فرزندپروری اسلامی مراحل مختلف رشد به‌دلیل خصوصیات روانی و جسمی و روحی از مراحل قبل و بعد خود متمایز شده است و کودک در هر مرحله دارای نیازها و علائق و قابلیت‌های خاصی است که نحوه رفتار خاصی را از والدین مطالبه می‌کند؛ ولی در هر حال اصل تدریجی بودن تربیت را باید لحاظ نمود (مهدوی‌نیک، ۱۳۹۲).

منابع

- ❖ «قرآن مجید»
- ❖ نهج البلاغه (۱۳۷۹)، گردآورنده شریف رضی، ترجمه سیدجمال‌الدین دین‌پرور، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۰ق)، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲. احدی، حسن و فرهاد جمهری (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی، تهران: بنیاد.
۳. انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۳۹۳)، راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، ترجمه سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
۴. حر عاملی، محمد (۱۴۱۴ق)، وسائل‌الشیعه، قم: آل‌البیت.
۵. خانجانی، زینب (۱۳۹۴)، تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی، چ ۲، تبریز: فروزش.
۶. خسروی، علی‌اکبر؛ حیدرعلی هومن و محبوبه سلیمانی (۱۳۹۰)، بررسی عملی اعتبار روایی و نرم‌یابی پرسش‌نامه اضطراب اسپنس، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
۷. سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا)، الدر المنثور، تحقیق عبدالله ابن‌عبدالحسن ترکی، مرکز هجر للجوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه.
۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: چاپ‌علاء آل‌جعفر.
۹. علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی نظریات تربیتی از دیدگاه اسلام و ژان ژاک روسو، چ ۱، کرمان: انتشارات شهید باهنر.
۱۰. قریشی‌راد، فخرالسادات (۱۳۹۱)، روان‌شناسی تحولی از منظر قرآن و منابع اسلامی، چ ۱، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز با همکاری دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۲. گری، جان (۱۳۹۳)، مهارت‌های جدید برای تربیت فرزندان، چ ۱، ترجمه شمس‌الدین حسینی و الهام آرام‌نیا، تهران: نسل نو اندیش.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، حکمت‌نامه کودک، همکار و مترجم: عباس پسندیده، قم: دارالحدیث.

۱۴. مظاهری، حسین (۱۳۸۷)، تربیت فرزند از نظر اسلام، چ ۸، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۵. مهدوی‌نیک، حسین (۱۳۹۲)، الگوی فرزندپروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روانشناختی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۶. موسوی، و؛ موسوی، س؛ محمودی قزایی، ج؛ اکبری زرد خانه، س (۱۳۸۷)، «ابزارهای ارزیابی و تشخیص اختلالات اضطرابی در کودکان و نوجوانان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال ۶، ش ۲، ص ۱۴۷-۱۵۴.
۱۷. هدایتی، مهرنوش (۱۳۹۳)، به کودکان اعتماد کنیم مبانی روان‌شناسی رشد شناختی در برنامه فلسفه برای کودکان، چ ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۸. الهی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳)، تربیت سیاسی و حیانی، تدبر در قرآن و سیره، مشهد.
19. Bowlby, J., (1993), *Attachment and loss attachment*, 2nd ed. New York: Basic Books.
20. Hardy, D. F., Power; T. G & Jaedicke, S., (1993), "Examining the relation of parenting to childrens coping with every day stress", *Child Development*, vol. 64, pp.18-48.
21. Kappenberg, E. S., & Halpern, D. F, (2006), "Kinship Center Attachment Questionnaire: Development of a Care giver- Completed Attachment Measure for latency Aged for children", *educational and Psychological Measurment*, 66(5), 852-873.
22. Schwartz, C., and waddell, Ch., (2012), "Treating anxiety disorders", *Journal of children, mental health research*, vol. 6 .
23. Spence, S.H, (1998), "A measure of anxiety symptoms among children", *Behaviour Research and Therapy*, 36(5), 545-566.
24. Waters A.M., zimmer-gembeck M. J., and Farrell L. J., (2012), *The relationship between child and parent factors with childrens anxiety*, School of applied psychology and Griffith health institue.
25. Yoshizumi, T., Murase, S. Murakami, T Takai, J., (2007), "Dissociation as a mediator between perceived parental rearing style and depression in an adult community population using college students", *Personality and Individual Differences* 43, pp.353-364.